

روایت اعیانی‌سازی شهر از منظر ذی‌نفعان: پیکربندی‌های تفسیری و اجتماعی فهم روایی

اعظم عیاجی^۱، علی یوسفی^{۲*}، مهدی کرمانی^۳

(تاریخ دریافت: ۹۶/۵/۲۳، تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۱۰)

چکیده

تحلیل روایتی نشان‌دهنده فرایند انتقال معنا از محقق به خواننده است. این مقاله بر آن است تا تصویری از کاربرد تحلیل روایتی در علوم اجتماعی به‌ویژه مطالعات شهری ارائه کند. تحلیل روایی می‌کوشد تا از استفاده صرفاً کلامی از روایت فراتر رود و با تجزیه و تحلیل دیدگاه‌ها و پیش‌انگاره‌ها - که در داستان آشکار می‌شوند - به بررسی چگونگی شکل‌گیری تجربیات انسانی بپردازد. اگرچه به‌نظر می‌رسد ارزیابی را فقط راوی انجام می‌دهد، می‌توان آن را حاصل روندی مذاکره‌ای دانست که در آن راوی و شنونده به توافقی برای درک معنا می‌رسند. نمونه‌ای از این روایتگری‌ها را می‌توان در تصویرسازی پدیده اعیانی‌سازی شهری از منظر ذی‌نفعان آن دید. این تصویرها که مبتنی بر تجربه زیسته عاملان اجتماعی است، در قالب مصاحبه‌های باز و عمیق قابل صورت‌بندی، روایتگری و

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد

۲. دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

* yousofi@um.ac.ir

۳. استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

در مراحل بعد تفسیر و تعبیر معنا در قالب رویکردی تأویل‌گرایانه است. مضمون اصلی روایت بر ساخته شده از داستان‌واره‌های عاملان اعیانی‌سازی در قلمرو مکانی مورد مطالعه را می‌توان با عنوان «خسران‌زدگی تظاهری» صورت‌بندی کرد.

واژه‌های کلیدی: روایت، هرمنوتیک، ذی‌نفعان، شهر، اعیانی‌سازی.

۱. مقدمه

روایت رویکردی تفسیری در علوم اجتماعی است و با استفاده از روش داستان‌گویی صورت می‌گیرد. اهمیت روایت را می‌توان در دیدگاه‌های فکری که در رأس آن‌ها کنش متقابل نمادین قرار دارد، مشاهده کرد. بسیاری از محققان کنش متقابل نمادین را در کنار پدیدارشناسی، شروع تحقیقات کیفی برمی‌شمارند. روش روایتی هنر تجربه فرایندهای ذهنی هر کنشگر اجتماعی است که مستلزم فرایند فهم، تفسیر و ساخت معناست. تفسیرگرایی خاستگاه‌هایش را از هرمنوتیک و پدیدارشناسی گرفته است (Ary et al., 2014: 101). افزایش علاقه و مشارکت در تحلیل روایی در سال‌های اخیر به پویایی این حوزه افزوده است (Wiles & Pain, 2011). در تحلیل روایی تعادل بین «چه چیزی» و «چگونگی» موازنه می‌شود و چگونگی اظهار نظرهای بنیادی مصاحبه‌شونده داده‌های مصاحبه را شکل می‌دهند؛ زیرا این مصاحبه‌ها میدانی هستند و تنها دانش علمی - منطقی می‌تواند به‌طور مشروع در آن خلق شود. بنابراین، وظیفه شخصی مصاحبه‌کننده است که خلق روایت را فعال کند (Holstein & Gubrium, 2012).

مطابق تفسیرگرایی، مطالعه پدیده‌های اجتماعی مستلزم فهم دنیای اجتماعی‌ای است که افراد شکل داده‌اند و تلاش در جهت فرارفتن از توصیفات داستان‌های کنشگران اجتماعی به سمت نوعی تحلیل مشروعیت می‌یابد. بدین ترتیب، افراد به‌طور مداوم درگیر تفسیر و بازتفسیر دنیای خود، موقعیت‌های اجتماعی، کنش‌های افراد دیگر، کنش‌های خود و اشیای طبیعی یا ساخته دست بشر هستند (بلیکی، ۱۳۹۲: ۲۵۴). واقعیت چیزی بیش از آن است که روایت کنشگران اجتماعی بیانگر آن است. محقق خواه به‌طور مستقیم یا ضمنی موضعی را درباره این موضوع پیچیده اتخاذ می‌کند (Bhaskar, 1979: 199).

دو پیش‌آیند سبب حرکت آکادمیک تحقیقات اجتماعی روایی معاصر شده‌اند (Squire et al., 2008: 5-7):

۱. پیدایش رویکردهای انسانی بعد از جنگ در حوزه روان‌شناسی و جامعه‌شناسی غربی که این رویکردها فردگرایانه و کلی‌نگر هستند و بیشتر به‌جای تجربه‌گرایی اثبات‌گرا به مطالعه موردی افراد و زندگی‌نامه‌ها توجه نشان می‌دهند.
 ۲. رویکردهای ساختارگرایی روسی و بعد از آن پسا‌ساختارگرایان فرانسوی پست‌مدرن (مانند فوکو و لیوتار) که بیشتر روان‌کاوانه و ساختارشکنی بود. این رویکردها از اواخر دهه ۱۹۷۰ بر تحقیقات علوم اجتماعی در کشورهای انگلیسی‌زبان تأثیر گذاشت. پست‌مدرنیسم یک پیوستار متحرک است که با ظهور مرزهای باز و انعطاف‌پذیر، یک اجتماع با پیکربندی سخت را طرد می‌کند و در بستر ظهور و سلطه روایت‌های محلی بر فراروایت‌های یکپارچه به کاربردپذیری دانش منجر می‌شود. درنهایت نظریه‌پردازان اجتماعی و منتقدان ادبی و فیلم و فمینیسم سبب پیدایش تحقیقات روایتی شدند.
- در این مقاله بر اهمیت رویکردهای تفسیری در درک تجربه‌های زیسته انسانی تأکید می‌شود. روایت‌شناسان اندیشه‌های پژوهشگران اولیه را به‌گونه‌ای نظام‌مند با هم تلفیق می‌کنند تا فارغ از التزام به یک مکتب، مطالعه روایت‌ها را گسترش دهند. روایت‌ها نمود توصیف‌انگیزه‌ها و رفتارهای ذی‌نفعانی هستند که در همکاری یا رقابت یا هر دو عمل می‌کنند. روایت‌ها را می‌توان به‌عنوان بازنمایی مجموعه تفسیرهایی که به موضوعی معنا می‌بخشد، پیکربندی کرد.

هدف اصلی این نوشتار علاوه بر پاسخ به این پرسش که روش روایتی چگونه به‌عنوان منبع شناختی عمل می‌کند، فهم روایت‌هایی است که فرایند اعیانی‌سازی شهری را در نظام سرمایه‌داری برای ذی‌نفعان قالب می‌زند یا به عبارت دیگر، پرسش این است که روایت‌ها (داستان‌ها) چه تأثیری بر درک فرایند اعیانی‌سازی شهری دارند و چگونه می‌توانیم به درک مشترکی از واقعیت یا یک موقعیت اجتماعی برسیم. این روایت‌ها که در آن معنا تابع مذاکره و کشمکش بین ذی‌نفعان است، در فرایند اجتماعی‌اعیانی‌سازی

ریشه دارند. این تجربه‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق با مشارکت‌کنندگان روایت می‌شود.

۲. پیشینه مطالعات روایی در حوزه ذی‌نفعان و اعیانی‌سازی

انجلز^۱ درباره تأثیرات اجتماعی اعیانی‌سازی شهری در منچستر به این نکته توجه کرده است که «فقر و فلاکت» موجود در محله‌های کارگرنشین را از «چشمان مردان و زنان ثروتمند» ساکن در حلقه بیرونی پنهان کرده‌اند. با این حال، وی از «بهبودهایی» سخن گفته که در بریتانیا و در اواسط سده نوزدهم به‌وقوع پیوسته است (اسمیت، ۱۳۹۰: ۵۷-۶۰). تحقیق روایی زولا نشان داد در فرایند نوسازی کلاسیک پاریس، زمین و ساختمان‌های موجود در آن، به شکلی از سرمایه موهوم درآمدند. شرکت‌ها برای کسب سودآوری باید به اندازه کافی برای هماهنگی اثرات بیرونی (برای مثال در اختیار داشتن املاک عمده که ارزش آن‌ها با نوسازی زمین‌های اطراف افزایش می‌یافت) بزرگ بودند و می‌توانستند برای تحقق افزایش زمین، در انتظار (برخی مواقع چند سال) بمانند (هاروی، ۱۳۹۵: ۳۱۸-۳۲۹).

اعیانی‌سازی شهری در امریکای لاتین دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ ردیفی از تناقض‌های شهری را به‌نمایش گذاشته است. هرچند تورم افسارگسیخته سراسری تا حدی به کنترل درآمده، معضل اصلی یا همان توزیع به‌شدت نابرابر درآمد شهری - که به اقتصاد دوگانه شهری و ساختار اجتماعی عمیقاً ازهم‌گسیخته شهری منجر شده - هنوز پابرجاست. آپارتمان‌های مجلل و برج‌های بلند اداری و هتل‌ها در مراکز شهر و حلیه‌های وسیع در اطراف شهر مشاهده می‌شوند (هال و فایفر، ۱۳۸۸).

روایت تجربه اعیانی‌سازی شهری در شهر بانکوک نیز جالب توجه بوده است.

خیابان‌های باریک و شلوغ وسط شهر پر از ازدحام است و در همه جا درهم‌ریختگی به‌چشم می‌خورد؛ خودروها، آدم‌ها، گداها در این آشفتگی بازار معجونی از نوکیسه‌ها و انرژی ناشی از ثروت‌های نجومی بادآورده از یک سو و سنگدلی‌ها و نابرابری‌ها از سوی دیگر سر برآورده‌اند. علاوه بر این، در مرکز شهر بازار شبانه‌ای نیز هر شب دایر می‌شود، دکه‌های لباس چرمی، ساعت، تی‌شرت، کالاهای تزئینی... و همه این‌ها از بهترین برندها و به قیمت‌های بسیار ارزان

هستند. برج‌های بلند از زمین سر برمی‌کشند، آسفالت خیابان‌ها را روکش می‌کنند و جدول‌بندی کنار خیابان‌ها و...، تا چشم کار می‌کرد آهن و پولاد، دستگاه و ماشین بتون و... . بانکوک رشد می‌کند؛ اما روزه‌روز وضعیت خراب‌تر می‌شود. بیش از یک سوم جمعیت شهر فراریان از مرکز شهر هستند که ساکنان حلیبی‌آبادها و حصیرآبادهای اطراف شهرند. این خانواده‌ها مجبورند بچه‌ها را برای پیدا کردن خوراکی و یا خرت‌وپرت به دپوهای زباله شهر بفرستند تا با فروش آن‌ها کمک‌خرج خانواده شوند (گریدر، ۱۳۹۵: ۵۶۰-۵۶۱).

در نمونه‌ای از مطالعات ایرانی، جعفرزاده نجار و جنتی (۱۳۸۸) در پژوهشی کیفی با تأکید بر تجربه نوسازی اطراف حرم مطهر امام رضا(ع) پس از بررسی روش‌های مبتنی بر سرمایه و روش‌های مبتنی بر بدهی، روش اوراق مشارکت را برای ذی‌نفعان یکی از روش‌های مناسب جهت تملک املاک و ماهیت غیر تورمی آن ارزیابی کرده‌اند.

۳. چارچوب مفهومی

۳-۱. رویکرد پدیدارشناختی به روایت و فهم پدیده‌های اجتماعی

فهم مفهوم کانونی پدیدارشناسی است و آشکارا به سوژه متکی است. یک کشاورز دورنمای مزرعه خود را به همان شیوه‌ای که شهرنشین از پیاده‌روی در آنجا لذت می‌برد، نمی‌بیند. مرلوپونتی در پدیدارشناسی ادراکی روایت، نظریه‌ای را پروراند که بر یک سری مفاهیم اساسی مبتنی بود: «فضا»، «زمان» و «جهان زیسته». تفاوت بین جهان زیسته و جهان درک‌شده اینجا آشکار می‌شود و نیز بر این اندیشه استوار است که علم از یک سو تجربه‌ای از جهان است و در نتیجه به جهان زیسته اشاره می‌کند. نمادهای علم بدون چنین تجربه‌ای هیچ معنایی نخواهد داشت و اینکه علم از سوی دیگر تعیین و تبیین جهان درک‌شده است (ترکمه، ۱۳۹۳: ۱۷۰-۱۷۲).

از نظر هایدگر فهم همان تأویل است، هر تأویل من همان فهم من است که دستاوردی بزرگ در هرمنوتیک مدرن است. از آنجا که او فهم را هستی‌شناسانه مطرح می‌کرد، توانایی طرح این نکته را یافت. تأویل‌ها در جریان عمل و فعالیت من مطرح می‌شوند و در نتیجه به آن پیوند می‌خورند. پس هر تأویل همان تجربه زیسته است که

در بیکر عبارت‌های زبانی بیان می‌شود. از نظر هایدگر، زبان خانه انسان است، در افق آن می‌شناسیم و شناخت خود را بیان می‌کنیم. پس تأویل بر دانسته‌های قبلی «من» استوار است (احمدی، ۱۳۸۷: ۹۲-۹۳).

تحلیل شوتز از تجربه بر زمینه ذهنی معنا متمرکز است که در واقع تفسیر ذهنی فرد از معنای دانش متداول است. از نظر شوتز، تجارب در جهت تکمیل پروژه‌هایی در حرکت است که مردم آن را در آینده به‌طور کامل تصور می‌کنند. از این دیدگاه، هر عمل سبب وقوع بعضی پدیده‌ها می‌شود و همیشه شامل اهداف، مقاصد، امیال و نیت‌هاست. وی جهان اجتماعی را به‌مثابه مجموعه‌ای از معانی‌ای توصیف می‌کند که عاملان تشکیل داده‌اند (زمینه ذهنی معنا). تجارب بر آگاهی فردی مبتنی هستند و خودآگاهی فرد معانی تجربه را تفسیر می‌کند. از نظر شوتز، مفهوم بین‌الذهانی ارتباط دوجانبه بین خود و دیگران را در به‌اشتراک‌گذاری تجربه‌ها در دنیای امروزی امکان‌پذیر می‌کند (همان، ۹۵-۹۶).

به اعتقاد فی (۱۳۸۹) طبق هرمنوتیک گادامری، معنا هرگز شامل یک عنصر، یعنی کارگزار و نیت و مقاصد او نیست؛ بلکه شامل دو عنصر است: چیزهایی که تفسیر می‌شود و کسانی که تفسیر می‌کنند. معنا محصول ارتباط تجربه و مفسر است؛ یعنی محصول هم‌کنش میان دو چیز است. بنابراین، معنای تجربه دیگران عبارت است از آنچه مفسران از آنچه دیگران انجام داده‌اند، می‌سازند. این همان روایتگری درباره پدیده‌های اجتماعی بر اساس مقوله‌های معنادار برآمده از تجارب انسانی است.

۲-۳. بساخت‌گرایی اجتماعی و ساخت روایت

کاربرد و ممارست رویکرد روایتی در جست‌وجوی آگاهانه معانی، مرکب از به‌دست آوردن، تجزیه، تحلیل و تفسیر توضیحات تجربه‌های آگاهانه فاش شده توسط کنشگر با هدف ارزیابی روابط بین کنشگران صحنه نمایش است. نتیجه چنین رویکردی پیشرفت‌های نوآورانه قابل توجه در واری اکتشافی تجارب افراد مورد نظر و توسعه دیدگاهی قاعده‌مند و آزمون‌پذیر در ارتباط با آن است. داستان‌ها به‌عنوان شاخص ساختارمندی و پویایی حس آگاهی انسانی و همچنین منبعی برای طرح مفروضات

است. تجزیه و تحلیل دقیق داستان‌های کلامی به‌عنوان داده‌های خام تجربی، در مفهومی بسیار متفاوت با آنچه در رفتارشناسی کمی و دیگر علوم رفتاری مورد تأکید است، می‌تواند بنیانی برای بررسی رابطه آگاهانهٔ عاملان اجتماعی مورد نظر با یکدیگر و با جامعه باشد. تجزیه و تحلیل نظام‌مند داستان‌های مذکور به‌منظور استخراج الگوهای معنایی مطلوب، مستلزم درپیش گرفتن رابطه‌ای انتقادی با آنهاست (Franzosi, 2010). فی (۱۳۸۹) معتقد است از نظر واقع‌گرایان هر یک از زندگی‌های ما عبارت است از بازسازی روایت دنباله‌داری که ما دربارهٔ خودمان می‌گوییم و به موازاتی که پیش می‌رویم این داستان و رفتار خود را بیشتر تطبیق می‌دهیم. نقشهٔ اصلی زندگی‌های ما دقیقاً همین خط سیر روایت دنباله‌دار زندگی است که تا حدی ما خود طراح آن هستیم. بر این مبنای، شغل زندگی‌نامه‌نویس کشف این خط سیر ازپیش موجود و نشان دادن این است که چگونه اعمال و انتخاب‌های فردی ما آن خط سیر را مجسم می‌کنند و پیش می‌رانند.

برساخت اجتماعی به‌شدت مبتنی بر روایت‌های تفسیری و انتقادی است. رویکرد تفسیری - که به‌شکل خاص بر پدیدارشناسی تکیه دارد - به‌دنبال درک و توضیح جهان اجتماعی از نظر متصدیان در یک موقعیت اجتماعی است. این جست‌وجو در محدودهٔ آگاهی و ذهنیت فردی انجام می‌گیرد که در چارچوبی از ارجاع کسانی که مشارکت کرده‌اند (و نه یک شاهد بیرونی) قرار دارد. این رویکرد جهان اجتماعی را یک فرایند اجتماعی ضروری در نظر می‌گیرد که به دست افراد جامعه ساخته می‌شود. رویکرد تفسیری روشی جایگزین برای درک پدیده‌های پیچیده بر اساس روایت‌های (نظر) کارکنان سازمان، متصدیان و شهروندان، با تمرکز بر تجربه‌ها، ارزش‌ها، گفت‌وگو و گفتمان‌های آن‌ها و با استفاده از تفسیر زبان و روایت‌های آن‌هاست (جان، ۱۳۹۵: ۵۰-۵۲). برای کسانی که به عنصر برساختن روایت اهمیت می‌دهند، این عقیده که واقعیت زندگی همان تصویر منعکس‌شده در زندگی‌نامه است، حقیقتی وارونه‌شده است: داستان یک هنر است و مورخان و زندگی‌نامه‌نویسان هنرمندانی هستند که سعی می‌کنند به زندگی معنا بدهند؛ پس منشأ روایت هنر است، نه خود زندگی. زندگی‌های مردمان هر کدام رشتهٔ یکدستی از حوادث است که به زندگی‌نامه‌نویس احتیاج دارد تا پس از وقوع

آن رویدادها، به این زنجیره حوادث، نوعی ساختار روایتی تحمیل کند و آن را فهم‌پذیر سازد. داستان‌ها سروده و برساخته می‌شوند. آن‌ها کشف نمی‌شوند؛ بلکه آفرینش‌هایی پس از وقوع رخدادهای زندگی هستند؛ به عبارت دیگر، داستان هنگامی آفریده می‌شود که کسی از دیدگاه خاص خود، نقش‌هایی معین را در قالب‌های روایی مشخص، برای ترسیم و توصیف رخدادها و روابط زندگی‌های افراد در نظر می‌گیرد و آن را بر عهده ایشان به‌عنوان قهرمانان داستان می‌گذارد (فی، ۱۳۸۹: ۲۸۴-۲۸۵).

۳-۳. فهم اعیانی‌سازی شهری از منظر روایی

اصولاً در نظامی که شناخت از واقعیات مرتبط در بین افراد زیادی پراکنده است، روایت‌ها می‌توانند کنش‌های جداگانه افراد مختلف را هماهنگ کنند. در این شرایط، امکان بسیاری برای تأمل‌گری هم از نظر معرفت‌علمی طبیعی و اجتماعی، هم از نظر معرفت‌علمی اقتصادی درباره ذی‌نفعان وجود دارد؛ برای مثال می‌توان به تأویل‌پذیری پدیده اعیان‌سازی شهری در روایت‌های ذی‌نفعان آن اشاره کرد. به‌طور خلاصه در هر جامعه حمایت از اعیانی‌سازی شهری در سطوح مختلفی به‌وقوع می‌پیوندد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها ذی‌نفعان هستند. مفهوم ذی‌نفع معنای خود را تنها در فضای مشترک عمومی می‌یابد و ماهیتی سیاسی - اجتماعی است که چرخشی را در ساختار اجتماعی شهر ایجاد می‌کند و ذاتاً به‌عنوان رخدادی علمی بحث‌برانگیز است. ارزش‌گذاری خلاقانه ذی‌نفعان با میانجی‌گری تصرف فضا - زمانی و ایدئولوژی‌ای که در حکم نقابی بر چهره سیاست است، روایت‌هایی را به‌دست می‌دهد که از قبال تفسیر و واکاوی معانی نهفته در پس آن می‌توان به درک پیچیدگی‌های ناظر بر فرایندهای نوسازی پی برد.

اعیانی‌سازی شهری علاوه بر عناصر کالبدی شامل پیام‌ها، معانی و رمزهایی است که ذی‌نفعان بر اساس نقش‌ها، توقعات، انگیزه‌ها و دیگر عوامل، آن را رمزگشایی و درک می‌کنند و درمورد آن به قضاوت (روایت) می‌پردازند. معنا و تجربه مهم‌ترین مباحث مطرح‌شده درباره اعیان‌سازی شهری هستند. ذی‌نفعان بر اساس تجربه‌های خود از معانی، عملکردها و شخصیت، نقشی برای بافت فرسوده در ذهن خود متصور

می‌شوند. این تجربه از دو عامل مؤثر فضا و انسان به‌صورت توأمان ساخته می‌شود (مؤمنی، ۱۳۹۲).

معنا در آغاز نیازمند دنیایی حسی - ادراکی است؛ دنیایی که در آن ذی‌نفعان با موضع‌گیری خود دو کلان‌نشانه - معنا را موجودیت می‌بخشند که مرزهای آن پیوسته قابلیت جابه‌جایی زیادی دارد. این دو کلان‌نشانه - معنا عبارت‌اند از: درون - نشانه (دنیای درون) و برون - نشانه (دنیای برون) که هر یک فرمی مخصوص دارند. معنا کنشی است که سبب اجتماع و ارتباط این دو کلان‌نشانه - معنا می‌شود. این ارتباط به‌واسطه حضور ذی‌نفع، یعنی سوژه یا گفته‌پرداز انجام می‌شود. ذی‌نفع این قابلیت را دارد که هم‌زمان به هر دو کلان‌نشانه - معنا متعلق باشد و بین این دو کلان‌نشانه - معناست که ذی‌نفع به موضع‌گیری می‌پردازد (شعیری، ۱۳۸۸: ۴۳).

کلنیوسکی (۱۳۹۳) مدعی است تا آنجا که به شهر و مقوله نوسازی شهری مربوط می‌شود، رویکردهای مرتبط با معنای شهر به‌جای اینکه ویژگی‌های فرهنگی یکسانی را به همه شهرها تعمیم دهند، بر این اعتقادند که معنایی که به هر شهر نسبت داده می‌شود، از یک گروه به گروه دیگر متفاوت است و نمادها و تصاویر قابل رؤیت در هر شهر نیز به روی تفاسیر متعدد باز است. در این رویکردها باور بر این است که شهرها و مناطق مختلف آن‌ها به‌سبب ویژگی‌های متمایز و منحصربه‌فردشان شناخته می‌شوند. این معانی برای اینکه در مقابل چالش‌های مختلف انعطاف‌پذیر باشند، باید برساخته و تقویت شوند. بسیاری از کنشگران شهری، از بنگاه املاک تا مقامات محلی، منافعشان در گرو این است که شهر را به‌شیوه دلخواه خود تفسیر کنند. به‌باور شوانت^۲، یکی از مفروضات کلی بر ساخت‌گرایی روایی، معرفت بی‌طرف، غیرسیاسی و فارغ از جنبه‌های عاطفی و عینی تجربه انسانی نیست؛ بلکه تا حدودی ایدئولوژیک، سیاسی و آغشته به ارزش‌هاست (بابایی، ۱۳۹۴: ۱۶).

۴. روش تحقیق

روش مورد اتکا در پژوهش حاضر، تلفیقی از مطالعات اسنادی و کاربست روایت در تحلیل پدیده اعیانی‌سازی شهری به‌عنوان پدیده‌ای فرایندی، دینامیک و پیچیده است.

همان گونه که پولگینگهورن^۳ (۱۹۹۵) بیان کرده، تحلیل روایی روشی است که از طریق آن محقق عناصر داده را به یک داستان توسعه‌یافته (تکاملی) منسجم سازمان‌دهی می‌کند. روند تحلیل روایت، تلفیق داده‌ها به‌جای جداسازی آن در بخش‌های تشکیل‌دهنده آن است که در واقع پیکربندی داده‌ها به یک کل یکپارچه است. تجزیه و تحلیل الگوواره‌های روایت در جست‌وجوی موقعیت‌تم‌ها یا تظاهرات مفهومی در میان داستان‌های جمع‌آوری شده به‌عنوان داده‌هاست. اغلب این رویکرد به یک پایگاه داده متشکل از چند داستان (به‌جای یک داستان واحد) نیاز دارد. محقق داستان‌های مختلف را بررسی می‌کند تا کشف کند که کدام مفهوم در آن‌ها ظاهر می‌شود.

پژوهش روایتی یک روش‌شناسی و مجموعه‌ای از ایده‌ها و مفاهیم گسترده را ارائه می‌دهد و روش ازپیش‌معین یا تکنیک خاصی ندارد و پاسخ‌گویی به پویایی‌های بافت تحقیق را تشویق و ترغیب می‌کند. شیوه روایتگری بخش عمده‌ای از جهان داستان را فرامی‌گیرد؛ به گونه‌ای که نمی‌توان بین سطح داستان و سطح گفتمان روایی تفکیکی قائل شد (حقیقی، ۱۳۷۸: ۴۱).

تحقیق روایتی فرایند ورود به زندگی افراد شرکت‌کننده و محقق است و با تجربیات پیشرفت می‌کند. در این حوزه پذیرش زندگی در میان داستان‌ها آسان نیست و از ماهیت موقتی تجربه‌ای ناشی می‌شود که افراد مشغول گفت‌وگو درباره آن هستند (Clandinin, 2010: 438). در این داستان‌ها تنش‌های نهفته در تجارب، سازمان‌دهی و منسجم می‌شوند. روایت صدای ایشان در جهان فرهنگی و اجتماعی ماست و به‌مثابه روابط معنادار با حیات انسان مطرح می‌شود (Paul, 2013). به‌طور کلی در این روش، محقق در فرایندی از یادگیری درگیر می‌شود که در درجه اول بر اساس عمل نگارش داستان شکل گرفته است؛ روشی برای یادگیری که بیشتر در آن مانند یک نویسنده داستان عمل می‌شود. این امر به محقق این اطمینان را می‌دهد که به‌دنبال توسعه اطلاعات جدید است و داستان ارائه‌شده توسط خود را در بازار گسترده داستان جای می‌دهد (نوغانی و عباچی، ۱۳۹۶).

پولگینگهورن (۱۹۹۵) هفت معیار دولارد^۴ برای قضاوت در مورد تاریخچه زندگی^۵ را بیان می‌کند تا محققان بتوانند از آن‌ها به‌عنوان راهنما برای تولید روایت و تحلیل داده‌های گردآوری‌شده استفاده کنند:

۱. محقق باید توصیف‌های بافت فرهنگی را که داستان در آن اتفاق می‌افتد، بیان کند.
۲. محقق باید در جمع‌آوری و هماهنگ‌سازی داده‌ها به‌صورت یک داستان به ماهیت تجسم‌یافته یا شخصیت طبیعی بازیگر اصلی نیز پردازد و آن را بر توصیفات داستانی مربوط به موضوع مورد نظر اضافه کند.
۳. محقق در پیشبرد زمینه داستان نه‌تنها باید به محیط فرهنگی و ابعاد جسمانی فرد توجه کند؛ بلکه به اهمیت تأثیر دیگران در فعالیت‌ها و اهداف بازیگر اصلی نیز توجه داشته باشد.
۴. اگرچه محیط فرهنگی، شرایط طبیعی و افراد دیگر، زمینه و محدودیت‌هایی را برای ایفای نقش از سوی بازیگر اصلی ایفا می‌کنند، او در مورد پیگیری اهداف خاص خود فرصت انتخاب دارد. در نتیجه محقق باید بر فرصت‌ها و فعالیت‌های او تمرکز کند.
۵. محقق در ساخت داستان باید تداوم تاریخی شخصیت‌ها را در نظر بگیرد؛ زیرا افراد موجودیت‌های تاریخی هستند که تجارب قبلی‌شان به‌عنوان بخشی از خود آن‌ها باقی می‌ماند.
۶. نتیجه تحلیل روایی تولید داستان مشتمل بر ابتدا، میانه و پایان است. داستان باید به یک بافت خاص که طرح داستان در آن اتفاق می‌افتد، تأکید کند. محقق باید جزئیات کافی و متمایزکننده را در مورد شخصیت‌ها بیان کند.
۷. و سرانجام محقق باید در مورد کفایت هر تحلیل روایی قضاوت کند؛ برای این منظور باید مشخص شود که آیا تحلیل ارائه‌شده رویدادهای مورد تحقیق را قابل درک و ملموس می‌کند یا خیر.

۵. یافته‌ها: روایتگری نوسازی شهری از سوی ذی‌نفعان

یافته‌های داستانی از تحقیقات تحلیلی روایی، ارائه عینی شخص ثالث یا انعکاس زندگی واقعی شخصیت اصلی نیست؛ بلکه این یافته‌ها نتیجه مجموعه‌ای از

ساختارهاست. محققانی که تحلیل روایی انجام می‌دهند، باید با جنبه‌های سازنده تحقیق آشنا باشند و این موارد را در نوشته‌های خود مطرح کنند. داده‌هایی که در پژوهش‌های روایی به کار می‌روند، توصیف ساده ادراکات حسی نیستند؛ بلکه تولیدات محاوره‌ای هستند که از تعامل بین موضوعات و محققان به وجود آمده‌اند. عملکرد تحلیل روایی عبارت است از پاسخ‌گویی به سؤالات موجود در مورد چرایی و چگونگی به وجود آمدن نتایج و پیامدها (Polkinghorne, 1995).

در مطالعه‌ای که مؤلفان در باب تحلیل نوسازی شهری و فرایند اعیانی‌سازی در بافت مرکزی شهر مشهد انجام داده‌اند، مصاحبه‌های مبسوطی با ذی‌نفعان کلیدی نوسازی صورت گرفت که نتیجه آن روایت‌هایی از نوسازی بود که دربرگیرنده زمینه معنایی غنی جهت تفسیر و به تبع آن شناسایی ابعاد پنهانی‌تر و پیچیده‌تر پدیده مورد نظر است. در این مجال قرار بر تحلیل روایی متون مذکور نیست و تنها بخش‌هایی از روایت‌های اولیه برای نمونه آورده می‌شود:

در یکی از این روایت‌ها به خوبی می‌توان آمیختگی منفعت‌های مادی و معنوی در سطوح مختلف را دید؛ جایی که امر غیرمادی در پیگیری منفعت مادی نقشی تسهیل‌کننده می‌یابد:

من به خاطر حضرت سرمایه‌گذاری کردم... به شهر عظمت دادم... بیش از سیصد نفر پرسنل دارم... کارآفرین نمونه بودم... اما از ما قدرانی نمی‌شه... بعضی مردم نگاه بدی به ما دارن... در این حوادث اخیر مشهد (شلوغی سفارت عربستان) دیگه مشهد برای بعضی کشورهای عربی امن نیست... درجه اشغال اتاق‌های ما بسیار کم شده. حالا کی به فکر ماست. فقط از ما مالیات می‌خوان... می‌گن از شما نگیریم، از کی باید بگیریم... سرمایه‌گذاری کردیم که گردشگر جذب کنیم (مؤسس یک پروژه بزرگ).

روایت‌ها به‌ویژه زمانی که ماهیت اپیزودیک پیدا می‌کنند، مناظری بدیع و چالش‌برانگیز ارائه می‌دهند. نمونه‌هایی از روایت‌های ذی‌نفعان پایین دست در فرایند نوسازی را می‌توان در ادامه مشاهده کرد که تقابلی اساسی با روایت‌های ذی‌نفعان سطح بالا دارد:

اینجا خیلی فرسوده شده بود، درسته؛ اما می‌شد به ما کمک مالی کنن که بسازیم؛ اما از طرح‌های تجمیعی می‌گفتن که باید مساحت زیرساخت زیاد باشه... کم کم با خراب‌هایی که ایجاد کردند ناامنی زیاد شد... از دست ما گرفتن دادن به بهتر از ما دادن... می‌گفتن شرکت‌های وابسته به شهرداری و آستان قدس خریدن. اما بعد فهمیدم همه این مراکز تجاری و هتل‌ها همه مال آدم‌های خاصه یا شرکت‌های خاص (مالک در بافت فرسوده).

در این کوچه دو تا خونه داشتیم. دو تا حیاط دادیم... با پولش یک آپارتمان خریدیم... صدای ما برای مسئولین معنا نداره... همه اینا باعث شد که خونه ما رو بدن به اونا که می‌تونن شهر لوکس و گران بسازن (مالک در بافت فرسوده).

چطور می‌شود فهمید که یک فرد تجربه و باورهای خاصی درباره محیط پیرامونش دارد. جواب این مسئله ارتباط نزدیکی با سؤال دیگری دارد که چه کسی باید برنامه‌ریزی کند. همه جدل‌ها درباره برنامه‌ریزی اقتصادی اعیانی‌سازی حول این سؤال می‌چرخد. دعوا بر سر این نیست که برنامه‌ریزی باید انجام شود یا نه؛ بلکه بر سر این است که برنامه‌ریزی باید به شکل متمرکز و به دست یک مرجع برای کل نظام اقتصادی صورت پذیرد یا باید در بین افراد زیادی تقسیمش کرد (هایک، ۱۳۹۴: ۸۰-۸۳). نمونه‌ای از روایت‌های مربوط به ذی‌نفعان با نفع‌بری بالا را نیز می‌توان در ادامه مشاهده کرد:

من هتلدار جدیدی نیستم. پدر و پدربزرگ من نیز همین کسب رو داشتن. همه می‌گن این هتل حتی به خیابونای اطراف ارزش داده... از طبقه هشتم به بالا، شهر در اختیار شماست. طراحی هر قسمت این پروژه را از یک کشور مدل کردم... دوازده تا کشور رفتیم تا طراحی مجموعه کامل بشه... امروز از ما قدردانی و پشتیبانی نمی‌شه... داریم ضرر می‌دیم (مؤسس یک پروژه عظیم).

برای اینکه پروژه‌های پراکنده موضعی رو سامان بدیم، باید مجموعاً محیط اطراف نوآوری می‌شد... یعنی باید کل این کلان‌شهر برای اقتصاد دانش‌بنیان بازآفرینی شود. این موضوع باید هدف شورای شهر باشد... یک برنامه جامع باید تمام پروژه‌ها را پیوند بده تا اقتصاد پایدار شهری به دست بیاد و شهرداری خودکفا شود (از مدیران ارشد شهری).

اگر قرار باشد طرح جدید اعلام شود، باید هزینه‌های آن نیز برآورد بشه و منابع مخصوصی برای آن در نظر گرفته بشه... به نظر من همین طرح فعلی با اندک

تغییراتی از سوی شرکت مشاور قبلی امکان اجرا و تأمین نظرات اعضای شورای عالی شهرسازی را دارد و نیاز به تهیه طرح جدید از سوی شرکت مشاور جدید نداشت (عضو شورای شهر).

شیوه جذب سرمایه‌گذار جهت اجرای پروژه‌های دارای بازده مشخص و کارگزاری خرید املاک محدودۀ پروژه توسط مجری طرح یکی از روش‌های موفق ماست... از میان روش‌های مختلف با توجه به عدم اختصاص بودجه و اعتبارات دولتی و شرایط امروز جامعه... به دلیل بالاتر بودن نرخ تورم در بازار مسکن از نرخ سود قابل پرداخت کوپن‌های اوراق مشارکت... روش اوراق مشارکت با ماهیت چنین طرح‌هایی، البته با شدت و ضعف در طرح‌های مشابه، به‌خصوص در بحث تملک پروژه‌ها سازگاری بیشتری دارد و زمینه را برای معرفی پروژه‌ها به سرمایه‌گذاران فراهم می‌کند (شرکت مسکن و بهسازی).

خود عمران و بهسازی هم واحداش مونده که این داستان هم باعث ضرر بخش دولتی شد هم ضرر بخش خصوصی، هم مردم عادی... اگر آن رکود نمی‌بود اگر اون موانعی که ایجاد کردند نمی‌بود... باید همون فرایند تولید تجاری - مسکونی می‌شد و اون افزایش قیمت و اون ارزش افزوده اگر وجود داشت خوب پروژه... رو تحویل می‌دادند... (از مدیران ارشد شهری).

هدف اصلی از نوسازی و بهسازی طبق تعاریفی که ما داشتیم، این بود که بیایم نفع زائر و در نظر بگیریم؛ یعنی در اصل هدف غایی و نهایی ما چی بوده، این بوده که رفاه زائر رو افزایش بدیم و ذی‌نفع اصلی ما زائر... خونه‌های اینجا واقعاً مشکل داشت هم از نظر فرسودگی هم امنیتی از بسیاری جهات برای زائرین ناامن است (شهردار سابق).

مالکین بحثشون همینه که به گران‌ترین قیمت دارند به ما می‌فروشند... خیابان‌های جدیدی داریم ایجاد می‌کنیم که هزینه‌های زیادی دارد، راه‌های شعاعی دید به حرم رو افزایش دادیم. قبلاً از چهار تا خیابان شما حرم را می‌دیدیدین حالا ۸ تا خیابون خواهد شد... فضای سبز دارد افزایش پیدا می‌کند؛ لذا مالکین که ذی‌نفع اصلی هستند به بالاترین قیمت دارند به ما می‌دن باز هم ناراضی هستند (شهرداری و مسکن‌سازان).

این چند نمونه از متن مبسوط روایت‌های به‌دست‌آمده به مضمونی پنهان، چندسطحی و پیچیده رهنمون شد که عبارت از «خسران‌زدگی تظاهری» بوده است که به‌اختصار معرف موضوعی مشترک در بین ذی‌نفعان در سطوح و موقعیت‌های گوناگون مبنی بر عدم رضایت از منافع حال‌شده از فرایند اعیانی‌سازی است. طبیعتاً از ترکیب و تلفیق مجموعه مضامین و معانی برشمرده‌شده از متن‌های روایی مطابق با مراحل که پیش از این ذکر شد، می‌توان به روایت منسجم در باب پدیده مورد بحث، یعنی اعیان‌سازی شهری از منظر ذی‌نفعان آن دست یافت. در جدول زیر ملاحظات متناظر با هر یک از مراحل هفت‌گانه دولارد (Polkinghorne, 1995) در مطالعه حاضر آورده شده است.

کاربست معیارهای دولارد تولید داستان نوسازی و مشارکت ذی‌نفعان

مرحله ۱	بافت فرهنگی	در مرکز طرح، حرم مطهر قرار دارد که یک منطقه گذار آن را احاطه کرده است. این منطقه گذار جایی است که منازل شخصی قدیمی به مراکز اداری، تجاری و هتل‌ها تبدیل می‌شوند و مهم‌ترین جایی است که نظر گردشگران را به خود جلب می‌کند.
مرحله ۲	ماهیت بازیگران اصلی	عاملان اصلی و نفع‌بران سطح بالای اعیانی‌سازی شهری، سرمایه‌گذاران عمده حقیقی، سازمان‌های عمومی فعال در عرصه ساخت‌وسازهای کلان، مدیران ارشد شهری و برخی نخبگان سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دیگر هستند.
مرحله ۳	اهمیت تاثیر دیگران	سازندگان و مالکان مجتمع‌های تجاری و هتل‌های عظیم، بیش از همه با مدیران شهری و نخبگان سیاسی و فرهنگی در تعامل قرار دارند. ضمن آنکه ساکنان و مالکان قبلی نیز در مقطعی از داستان اعیان‌سازی بر صحنه حاضر بوده‌اند.
مرحله ۴	فرصت‌ها و انتخاب‌ها	بهره‌گیری از تجارب سایر شهرها در مواجهه با بافت‌های قدیمی شهری، ناکارآمدی شیوه‌های تأمین بودجه شهرداری و نسبت نوآوری با خلق ثروت از جمله موارد فرصت‌زا برای ذی‌نفعان در جهت حرکت به سمت نوسازی شهری هستند.
مرحله ۵	تجارب	فرایند اعیانی‌سازی به‌عنوان نمونه‌ای از نوسازی بافت‌های فرسوده

<p>شهری، عرصه‌ای نسبتاً جدید برای تقابل و تعامل ذی‌نفعان کلیدی در مدیریت و توسعه شهری است. مدافعتش آن را به‌مثابه راهکاری برای فائق آمدن مدیران شهری بر چرخه معیوب مسائل بحران‌زا در مرکز متراکم و فرسوده شهری به حساب می‌آورند و مخالفانش بر نقش آن در افزودن بر شکاف غنی، و فقیر و حاشیه‌نشین ساختن ساکنان اصلی مرکز شهر تأکید دارند.</p>	<p>گذشته</p>	
<p>روایت‌نوسازی از منظر ذی‌نفعان، داستان تعارض پیوسته در منافع و رقابت‌های بی‌پایان برای بهره‌برداری‌های حداکثری از وضع موجود است. بدین ترتیب، تعامل آن‌ها با ماهیت ساختارهای سیاسی (قدرت)، اجتماعی و اقتصادی شهری اجتناب‌ناپذیر است. فهم این تعامل صرفاً بر زبان منفعت و در لباس رقابت ممکن خواهد بود.</p>	<p>نگارش داستان</p>	<p>مرحله ۶</p>
<p>زبان‌نوسازی می‌کوشد تلخی اعیانی‌سازی را شیرین جلوه دهد که پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن گسترده است. با وجود همه تأثیرات مثبت حاصل از اعیانی‌سازی، تأثیرات منفی نیز وجود دارد. نابسامانی به احتمال زیاد مهم‌ترین تأثیر منفی آن است.</p>	<p>ارزیابی روایت</p>	<p>مرحله ۷</p>

۶. نتیجه

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد سبک مشارکت و استراتژی‌های همکاری ذی‌نفعان در فرایند اعیان‌سازی شهری در روایت برآمده از تجربه زیسته ایشان سهمی درخور توجه داشته است. جونز (۲۰۰۳ و ۲۰۰۵) ادعا می‌کند در پروژه‌های اعیان‌سازی شهری بیان دقیق اینکه مشارکان (ذی‌نفعان) چه کسانی هستند، اهمیت زیادی دارد. علاوه بر این، اگر فقط منافع واقعی ذی‌نفعان مشخص شود، می‌توان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به اعیان‌سازی شهری به آن‌ها قدرت و اختیار داد. یانگ و همکاران (۲۰۱۱) نیز تأکید کرده‌اند مشارکت و تحلیل ذی‌نفعان در پروژه‌های عمرانی برای سیستم‌های مربوط به نوسازی بسیار اهمیت دارد؛ زیرا ماهیت پروژه‌های عمرانی پیچیده و نامشخص است. مقوله روایی بااهمیت دیگری که در این مطالعه به‌دست آمده، سازوکارهای تعریف، پیگیری و تحقق منفعت از سوی ذی‌نفعان در روایت ایشان درباره تجربه اعیانی‌سازی

شهری است. در این زمینه بال و همکاران (۲۰۱۳) تأکید می‌کنند ذی نفعان در فعالیت‌های پروژه‌ای دارای منافع شخصی هستند که ممکن است به اولویت‌های متفاوت بینجامد و باعث ایجاد تضاد و افزایش مشکلات در چنین وضعیت‌هایی شود. بنابراین، همان گونه که تامر (۲۰۰۹) می‌گوید، مشارکت ذی نفعان در مراحل اولیه پروژه می‌تواند بحث‌های سازنده و احساس مالکیت را به دنبال داشته باشد که موجب سود مثبت، افزایش اعتبار و شفافیت و تشخیص به موقع محدودیت‌ها می‌شود.

در نهایت اینکه ناهمگونی منافع ذی نفعان اجتماعی سبب می‌شود ترجیحات متفاوتی نسبت به نهادها داشته باشند. نهادهای اقتصادی (شهرداری و وزارت مسکن) بسیار مهم هستند؛ زیرا بر ساختار انگیزه‌های اقتصادی جامعه تأثیر می‌گذارند. از نظر تخصیص منابع آن‌ها تعیین می‌کنند چه کسانی نوآوری و سود دریافت کنند و محرک فعالان اقتصادی کلیدی در جامعه باشند (Robinson et al., 2005: 391). هدف اصلی تحلیل شاخص‌های سوداگری انتقال دانش به تصمیم‌گیران درباره وضعیت مالی و توسعه شرکت‌های سرمایه‌گذاری در اعیانی سازی است. تجزیه و تحلیل‌های روایی به مدیران در مورد تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری، مدیریت و ارزیابی سرمایه‌گذاری کمک می‌کند (Zehira et al., 2016). در عین حال، خلاف این تأکیدات در تجربه مرور شده، نوعی آشفتگی در منظومه منافع ذی نفعان اعم از عاملان حقیقی و متولیان نهادی روایت شده است که تقریباً عموم این عاملان و متولیان در روایت آن اشتراک نظر و تجربه داشته‌اند.

پی‌نوشت‌ها

1. Engels
2. Schwant
3. Polkinghorne
4. Dollard
5. life history

منابع

- احمدی، بابک (۱۳۸۷). *ساختار و هرمنوتیک*. تهران: گام نو.
- اسمیت، نیل (۱۳۹۰). *مرزبندی نوین شهری، بهسازی بافت شهری از راه اسکان جمعیت مرفه در شهرهای کینه‌توز*. ترجمه حسام زند حسامی. تهران: دانشگاه تهران.
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۲). *استراتژی‌های پژوهش اجتماعی*. ترجمه هاشم آقاییگ پوری. تهران: دانشگاه تهران.
- ترکمه، آیدین (۱۳۹۳). *درآمدی بر تولید فضای هانری لوفور*. تهران: تیسرا.

- جان، جانگسو (۱۳۹۵). *ساخت اجتماعی اداره امور عمومی: رویکردهای تفسیری و انتقادی*. ترجمه غلامرضا معمارزاده و لقمان رحمانپور. تهران: اندیشه گوه‌بار.
- جعفرزاده نجار، مرتضی و جنتی (۱۳۸۸). «شیوه‌های موفق تأمین منابع مالی از محل منابع داخلی در طرح بهسازی و نوسازی بافت فرسوده، مطالعه موردی اطراف حرم مطهر حضرت رضا (ع)». *دومین کنفرانس بین‌المللی توسعه نظام تأمین مالی در ایران*. تهران: مرکز تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف.
- حقیقی، مانی (۱۳۷۸). *گزینش و ویرایش، سرگشتگی نشانه‌ها، نمونه‌هایی از نقد پسامدرن*. تهران: نشر مرکز.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۸). «از نشانه‌شناسی ساخت‌گرا تا نشانه - معناشناسی گفتمانی». *فصلنامه نقد ادبی*. س ۲. ش ۸. صص ۳۳-۵۱.
- فی، برایان (۱۳۸۹). *پارادیم‌شناسی علوم انسانی*. ترجمه مرتضی مردیها. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کلینوسکی، نانسی (۱۳۹۳). *شهرها و جامعه*. ترجمه محمدحسن خطیبی بایگی. تهران: تیسرا.
- گریدر، ویلیام (۱۳۹۵). *منطق جنون‌آسای سرمایه‌داری جهانی*. ترجمه سلامت رنجبر بویاغچی. تهران: آگاه.
- مؤمنی، سیما (۱۹۳۲). «پدیدارشناسی مکان و احیای مکان فردا». *همایش سالانه ساختمان آینده*.
- نوغانی محسن و اعظم عباچی (۱۳۹۶). «روایت در جایگاه تحقیق و تحقیق در جایگاه روایت». *روش‌شناسی علوم انسانی*. س ۲۳. ش ۹۰. صص ۱۴۱-۱۶۹.
- هاروی، دیوید (۱۳۹۵). *پاریس پایتخت مدرنیته*. ترجمه عارف اقوامی مقدم. تهران: پژوهشکده.
- هال، پیترو و اولریخ فایفر (۱۳۸۸). *آینده شهری قرن ۲۱*. ترجمه اسماعیل صادقی و ناهید صفایی. تهران: نشر جامعه مهندسان مشاور ایران.
- هایک، فریدریش آگوست فون (۱۳۹۴). *فردگرایی و نظم اقتصادی*. ترجمه محسن رنجبر. تهران: نشر مرکز.
- Ary, D. et al. (2014). *Introduction to research in education*. Australia: Wadsworth.
- Bal, M. et al. (2013) "Stakeholder engagement: achieving sustainability in the construction sector". *sustainability*. No. 6. pp. 695-710.
- Bhaskr, R. (1979). *The Possibility of naturalism: A Philosophical Critique of the Contemporary Human Sciences*. Brighton : Harvester.
- Clandinin, D. J. (2010). *Narrative Inquiry*. Qualitative Research University of Alberta, Edmonton, AB, Canada, Elsevier education, Australia: Wadsworth.

- Franzosi, R. (2010). *Quantitative narrative analysis*. Los Angeles. CA: Sage.
- Holstein, J. A. & J. F. Gubrium (2012). *Variety of narrative analysis*. Sage Publications.
- Jones, M. & K. Ward (2003). "Finding Sources of Brand Value: Developing a Stakeholder Model of Brand Equity". *Journal of Brand Management*. Vol. 13. No. 1. pp. 10-32.
- Jones, R. (2005). "Finding sources of brand value: developing a stakeholder model of brand equity". *Journal of Brand Management*. Vol. 13. No. 1. pp. 10-32.
- Paul, T. M. (2013.) "Narrative Interviews: An Alternative Method to the Study of Mentoring Adoption by Information Systems Project Managers". *ScienceDirect : Procedia Technology*. No. 9. pp 638-.645.
- Polkinghorne, D. (1995). "Narrative Configuration in Qualitative Analysis". *Qualitative Studies in Education*. No. 8 (1).
- Robinson, H. S. et al. (2005). "Business Performance Measurement Practices in Construction Engineering Organizations". *Measuring Business Excellence*. No. 9(1). pp.13- 22.
- Tammer, M. D. (2009). "Early stakeholder involvement in projects". *PM Worl Today*. April 2009 (Vol XI, Issue IV). <http://www.pmworltdoday.net>.
- Wiles, R. et al. (2011). "Innovation in qualitative research methods: a narrative review". *Qualitative Methods*. No. 11(5). pp. 587-604.
- Yang, J. et al. (2011). "A typology of operational approaches for stakeholder analysis and engagement". *Construction Management and Economics*. No. 29(2). pp. 145-162.
- Zehira, C. et al. (2016). "Role of Stakeholder Participation Between Transparency and Qualitativ and Quantitive Performance Relations: an Application at Hospital Managements ". *Social and Behavioral Sciences*. No. 229. pp. 234 - 245.